



# کارکرد فضایل قرآنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خدمت رسالت نبوی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

یحیی کرامتی<sup>۱</sup> سیدمهدی قریشی<sup>۲</sup> حسن محمدی<sup>۳</sup>

## چکیده

این پژوهش با هدف گذار از نگاه جزیره‌ای و اثبات‌گرایانه به آیات فضایل، به این پرسش بنیادین می‌پردازد که آیا «معرفی» فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قرآن (اعم از نزول آیه یا تبیین نبوی) رویدادهایی منفک بوده‌اند یا از یک منطق روایی و فرایند تکاملی برای تبیین امامت در بستر رسالت نبوی پیروی می‌کنند. این مسئله از آن جهت حائز اهمیت است که نگاه سنتی، حکمت‌تربیتی و طرح حکیمانانه نهفته در پس‌توالی این مداخلات الهی را که همگی در خدمت تثبیت رسالت بوده‌اند مغفول می‌گذارد. این مقاله، با تمرکز بر آیاتی که یا دارای «شان نزول مستقیم» هستند یا بر اساس «تبیین مستقیم نبوی» (ثبت‌شده در منابع معتبر فریقین) به ایشان اشاره دارند و با اتخاذ رویکرد «تفسیر تنزیلی» برای چینش داده‌ها و چهارچوب نظری «تحلیل روایی تکاملی» به این پرسش پاسخ می‌دهد؛ این چهارچوب، با تحلیل عناصری چون پیرنگ، شخصیت‌پردازی و کارکرد زمینه‌مند هر مداخله روایی، به دنبال کشف منطق درونی حاکم بر ارتباط میان متن و بستر تاریخی آن است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این فرایند دارای دو پرده روایی متمایز در خدمت رسالت نبوی بوده است. در پرده اول (مکه)، کارکرد اصلی آیات، «هویت‌سازی و تقویت پایداری» بود؛ شخصیت‌پردازی علی (علیه السلام) به‌عنوان «السابقون» (اصالت‌بخشی)، «أذن واعیه» (حافظ علم نبوت) و فداکار «لیلة المبيت» (ضامن بقای پیامبر)، یک محور معنوی تزلزل‌ناپذیر برای مؤمنان ایجاد کرد. با ورود به پرده دوم (مدینه)، کارکرد روایت به «نهادسازی و تبیین رهبری» تغییر جهت داد. در این بستر، شخصیت‌پردازی ایشان به عنوان عامل انحصاری «نجوا» (تثبیت صدق)، محور «ولایت» (تعریف ساختار)، «نفس پیامبر» در مباحثه (مشروعیت وجودی) و «اکمال‌کننده دین» (ضامن تدوام رسالت)، شالوده‌های نظام رهبری پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بنیان نهاد.

**کلیدواژه‌ها:** رسالت نبوی، امام علی (علیه السلام)، تفسیر تنزیلی، امامت، فضایل قرآنی.

2850781274@iau.ac.ir

sm.ghoreishi@urmia.ac.ir

hasan.mohammadi@iau.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری، گروه معارف، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران:

۲. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول):

۳. استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران:

## ۱. مقدمه

ظهور اسلام و نزول قرآن کریم در شبه جزیره عربستان، پروژه الهی برای دگرگونی بنیادین جامعه‌ای در هم تنیده با ساختارهای قبیله‌ای بود (زرگری نژاد، ۱۳۹۳: ۱۶۱). این ساختارها، ارزش‌هایی چون «ثأر» (انتقام) و عصبیت کورکورانه را ترویج می‌کردند (بلاشر، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳۸) و از نظر فرهنگی، جامعه در باورهای خرافی عمیقی غوطه‌ور بود (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۳۵). امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعدها این دوران را به‌درستی توصیف کردند: «ای مردم عرب، آن هنگام شما بدترین آیین را برگزیده و در بدترین سرای خزیده بودید... آبتان تیره و ناگوار، خوراکتان گلوآزار، خون یکدیگر را ریزان... بودید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۶). قرآن کریم هدف رسالت را «برداشتن بارهای سنگین و زنجیرهایی» توصیف می‌کند که بر فکر و جان این مردم بسته شده بود (اعراف، ۱۵۷). در چنین بستری، نزول تدریجی وحی، فرایندی ۲۳ ساله برای ساختارشکنی از این ارزش‌های جاهلی و پی‌ریزی یک «امت» نوین بر پایه توحید، عدالت و کرامت انسانی بود.

محور این روایت ۲۳ ساله، بی‌تردید وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. ایشان به‌عنوان دریافت‌کننده وحی، مبلّغ نخست و اسوه کامل این دگرگونی الهی، نه‌تنها پیام را ابلاغ می‌کردند، بلکه خود، تجسم عینی و الگوی عملی فضایل جدید بودند. تمام این پروژه عظیم تحول، بر محور رسالت و رهبری ایشان استوار بود و همان‌طور که خود فرمودند، مبارزه ایشان بر سر «تنزیل» قرآن بود (ابن حنبل، ۱۴۱۲، ج ۳: ۳۲). این پژوهش ضمن اذعان کامل به این محوریت مطلق، در پی بررسی یکی از طرح‌های الهی نهفته درون همین پیرنگ رسالت نبوی است.

چنین تحول عظیمی در برابر جهانی از جهالت و مخالفت، نیازمند همراهان و یاورانی بود که ستون‌های این بنای جدید را تحکیم بخشند. این امر در طرح الهی پیش‌بینی شده بود؛ از این رو، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از همان دوران کودکی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، تکفل و تربیت مستقیم ایشان را بر عهده گرفتند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳: ۵۷۶). این اقدام، صرفاً حق‌شناسی از ابوطالب نبود، بلکه طرحی الهی برای «پرورش وصی و وزیر آینده»

بود (مطهری: ۱۴۱). این تربیت اختصاصی، پیوندی چنان عمیق ایجاد کرد که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «یا علی! مردم از درختان متفاوتند، لیکن من و تو از یک درختیم» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۴۱) و خود را تربیت شده خدا و علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را تربیت شده خویش معرفی کردند (مجلسی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۶: ۲۳۱).

قرآن کریم به عنوان کتاب تربیتی، برای نهادینه سازی ارزش های نوین خود، به معرفی الگوهای زنده می پردازد. همان طور که آیات متعدد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به عنوان «اسوه حسنه» معرفی می کنند، در مقاطع حساس نیز، «کارکرد» و «فضیلت» یاور اصلی ایشان، یعنی امام علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، توسط وحی بر جسته می شود. این شخصیت پردازی قرآنی، هدف تربیتی هوشمندانه را دنبال می کند: امیرالمؤمنین رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به عنوان الگوی کامل «انسان تربیت یافته» در مکتب وحی معرفی می شود. ایشان که به تعبیر خود «همچون کودکی به دنبال پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» حرکت می کرد (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)، ثابت می کند که دستیابی به قله های فضیلت برای یک انسان غیر پیامبر امکان پذیر است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این جایگاه منحصر به فرد را این گونه تبیین فرمودند: «تو می شنوی هر چه من می شنوم و می بینی هر آنچه من می بینم، جز آنکه تو پیامبر نیستی ولی وزیر منی» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). این «وزیری»، ایشان را به الگویی قابل دسترس تر برای امت تبدیل می کرد.

فضایل قرآنی آن حضرت که در موارد متعددی مورد اتفاق فریقین است، مفهومی فراگیر است که ابعاد گوناگونی را شامل می شود؛ از آیاتی که بر فضایل شخصی ایشان دلالت دارد (مانند آیه «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ»)، تا آیاتی که فضیلتی مشترک با اهل بیت رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ را بیان می کند (مانند آیه مباحله) و آیاتی که مستقیم به جایگاه رهبری ایشان اشاره دارد (مانند آیه ولایت). مطالعه این آیات بر اساس «ترتیب مصحف»، ناخواسته منجر به نگاهی «جزیره ای» و «اثبات گرایانه» می شود و حکمت نهفته در توالی و زمان بندی «معرفی» آنها مغفول می ماند. اتخاذ رویکرد «تفسیر تنزیلی» (تفسیر بر اساس ترتیب نزول سوره ها) (معرفت، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۵۱۹)، این امکان را فراهم می آورد که از این نگاه ایستا عبور کنیم. این رویکرد روش شناختی از آن جهت ضروری است که به ما کمک می کند تا موارد نادری مانند آیه ۲۰۷ سوره بقره (سوره ای مدنی) را که شأن نزول آن مستقیم به واقعه «لیلة

المبیت»، یعنی واقعه‌ای در مکه مربوط بوده و نزول آن نیز در فاصله زمانی بسیار کوتاهی از آن واقعه (در آستانه هجرت یا در مسیر آن) رخ داده است، به درستی در بستر تاریخی خود (یعنی نقطه پایان دوره مکه) تحلیل کنیم.

بر این اساس، این پژوهش با هدف گذار از رویکرد اثبات‌گرایانه و جزیره‌ای و با اتخاذ معیاری سخت‌گیرانه و تمرکز بر آیاتی که یا دارای «شأن نزول مستقیم» هستند یا بر اساس «تبیین مستقیم نبوی» (ثبت‌شده در منابع معتبر فریقین) به ایشان اشاره دارند، مسئله اصلی خود را این‌گونه تعریف می‌کند: آیا «معرفی» قرآنی فضایل امام علی (علیه السلام) (اعم از نزول مستقیم یا تبیین نبوی)، رویدادهایی منفک و واکنشی بوده‌اند یا از یک منطق روایی و فرایند تربیتی الهی برای تبیین تکاملی جایگاه امامت در بستر رسالت نبوی پیروی می‌کنند؟ به بیان دیگر، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش بنیادین است که «کارکرد روایی» هر یک از این فضایل در بستر تاریخی منحصر به فرد خود چه بوده و این «شخصیت‌پردازی» تدریجی، چگونه به صورت هوشمندانه به نیازهای تکاملی امت (ابتدا هویت‌سازی در مکه و سپس نهادسازی در مدینه) پاسخ داده است؟

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهشی مرتبط با فضایل قرآنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد؛ دسته اول، مشتمل بر جوامع و مجامع حدیثی تفسیری گران‌سنگی است که با هدف گردآوری آیات و روایات مرتبط با شأن و منزلت آن حضرت تدوین شده‌اند. آثاری چون «شواهد التنزیل» حسکانی، «خصائص الوحی المبین» ابن‌بطریق و «پرتویی از فضایل امیرالمؤمنین در قرآن» از این جمله‌اند. ارزش این کتب در جمع‌آوری و حفظ میراث روایی انکارناپذیر است؛ اما این آثار عموماً از سه منظر با اهداف پژوهش حاضر فاصله دارند: نخست آنکه ساختار آن‌ها عمدتاً بر اساس ترتیب سوره‌های مصحف شریف است، نه ترتیب تنزیلی. دوم، این آثار اغلب میان آیاتی که دارای شأن نزول مستقیم هستند و آیاتی که بر اساس تأویل یا تطبیق به آن حضرت نسبت داده شده‌اند، تمایز روشنی قائل نمی‌شوند. سوم، هدف اصلی آن‌ها گردآوری و اثبات فضایل بوده و کمتر به

تحلیل «کارکرد» یک آیه در «بستر تاریخی» آن پرداخته‌اند.

دسته دوم، پژوهش‌های با رویکرد «کلامی و اثبات‌محور» هستند که با هدف تبیین و اثبات اصل امامت و حقانیت آن با استناد به ادله عقلی و نقلی نگاشته شده‌اند. مقاله بیات (۱۳۹۳) با عنوان «امامت از دیدگاه شیعه دوازده امامی» نمونه بارز این رویکرد است که با تکیه بر براهین عقلی مانند قاعده لطف و استناد به آیات و روایات، به دنبال اثبات اصل امامت، عصمت و منصوص بودن آن است. همچنین مکارم شیرازی (۱۳۷۹) در کتاب «آیات ولایت در قرآن» با تمرکز بر آیاتی مشخص، به دنبال اثبات مقام خلافت و ولایت است. اگرچه این پژوهش‌ها در تحکیم مبانی اعتقادی و پاسخ به شبهات کلامی نقشی حیاتی دارند، اما به دلیل ماهیت اثبات‌گرایانه خود، به صورت طبیعی از منطق ترتیب تاریخی و فرایندی فاصله می‌گیرند و هدفشان نمایش «فرایند تکاملی» و طرح منسجمی که بر نزول تدریجی فضایل حاکم بوده، نیست.

دسته سوم، پژوهش‌هایی با رویکرد «هرمنوتیکی و تطبیقی» هستند که به تحلیل تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی بر فهم و ترجمه آیات می‌پردازند. مقاله میراحمدی و فتاحی (۱۳۹۸) با عنوان «تحلیل و نقد پیش‌فرض‌های کلامی فریقین در ترجمه آیات امامت، نمونه‌ای شاخص از این دست است. این تحقیقات به جای تمرکز بر خود متن اولیه، به «مرحله دریافت و تفسیر» متن توجه می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه مبانی کلامی شیعه و اهل سنت، منجر به ترجمه‌ها و تفاسیر متفاوتی از آیات فضایل شده است. این رویکرد در حوزه مطالعات ترجمه و تحلیل گفتمان کلامی بسیار ارزشمند است، اما مسئله اصلی آن، تحلیل «فرایند دریافت متن» است، نه تحلیل «فرایند تولید و نزول اولیه متن» که دغدغه اصلی این پژوهش است.

در سال‌های اخیر، رویکرد «تفسیر تنزیلی» به‌عنوان یک روش کارآمد برای فهم پویای قرآن کریم مورد توجه ویژه قرار گرفته است. مجموعه تفسیری «همگام با وحی» اثر عبدالکریم بهجت‌پور، نمونه برجسته این رویکرد است که بر فواید بی‌شمار تفسیر به ترتیب نزول، از جمله «کشف روش‌های تربیت دینی» و «فهم رابطه چالش‌ها با پیام‌های

دین» تأکید می‌ورزد. این رویکرد روش‌شناسانه، گامی بسیار مهم به پیش است و بستری مناسب برای این پژوهش فراهم می‌آورد. با این حال، حتی این آثار پیشگام نیز در مرحله اجرا، عمدتاً بر ارائه شرح و ترجمه‌ای روان از سوره‌ها به ترتیب نزول متمرکز شده و کمتر فرصت یافته‌اند تا یک موضوع کلامی مشخص، مانند «تبیین امامت» را به صورت یک خط سیر تحلیلی در تمام طول قرآن و با استفاده از یک چهارچوب نظری منسجم پیگیری کنند.

در چنین فضایی، این پژوهش با هدف پر کردن یک شکاف روش‌شناختی مشخص، در نقطه تلاقی این جریانات قرار می‌گیرد. نوآوری اصلی این تحقیق، پاسخی دقیق به چالش «تفکیک شأن نزول از تطبیق» است. برخلاف رویکردهای کلامی (دسته دوم) که به «جری و تطبیق» عام می‌پردازند یا رویکردهای جمع‌آوری (دسته اول) که گاه میان این دو خلط می‌کنند، این مقاله معیاری سخت‌گیرانه اتخاذ کرده است: تمرکز این پژوهش منحصرأً به دو دسته از آیات محدود می‌شود: دسته اول، آیاتی که دارای «شأن نزول مستقیم» و قطعی هستند؛ و دسته دوم، آیاتی که مصداق آن‌ها مستقیم توسط «تبیین نبوی» (و نه صرفاً تفاسیر متأخر) در منابع معتبر فریقین (مانند آثار رازی، زمخشری و سیوطی) مشخص شده است. نوآوری دوم، تغییر پرسش اصلی پژوهش است. این مقاله به جای پرسش این آیات چه مقامی را اثبات می‌کنند؟، بر اساس چهارچوب «تحلیل روایی» می‌پرسد: کارکرد روایی هر یک از این فضایل در خدمت به پیرنگ رسالت نبوی چه بوده است؟؛ بنابراین، این پژوهش در پی کشف «منطق روایی» و «کارکرد زمینه‌مند» این آیات است تا نشان دهد چگونه معرفی جایگاه یاور اصلی پیامبر ﷺ، بخشی منسجم، هوشمندانه و تکاملی از خود پیرنگ ۲۳ ساله رسالت نبوی بوده است.

## ۲. چهارچوب نظری

این پژوهش بر این مبنای معرفت‌شناختی استوار است که روایت<sup>۱</sup>، ساختار بنیادینی برای فهم بشری و صورت‌بندی حقیقت است. فراتر از یک ابزار صرف برای انتقال

1. Narrative

اطلاعات، روایت چهارچوبی را فراهم می‌آورد که از طریق آن، رویدادهای پراکنده در یک توالی معنادار قرار گرفته و به تجربه‌های انسانی هدف و انسجام می‌بخشند. در حالی که برخی فیلسوفان به ظرفیت روایت برای تحریف واقعیت با دیده تردید می‌نگرند، بسیاری دیگر معتقدند که برخی از انواع دانش، به‌ویژه معارف پیچیده مربوط به خداوند، انسان و جهان، تنها از طریق یک واسطهٔ روایی قابل دسترسی و انتقال کامل هستند (نوسبام<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰؛ استامپ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰) نکتهٔ کلیدی و فرض بنیادین در این پژوهش آن است که قرآن کریم نه به‌عنوان روایتی صرفاً تاریخی و محصول منفعل شرایط زمانه، بلکه به‌مثابهٔ یک روایت الهی و فراتر از زمان در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، حکمت متعالیه قرآن، به صورت هدفمند و حکیمانه در بستر زمان و در تعامل با وقایع و نیازهای مشخص تجلی یافته است؛ بنابراین، زمینهٔ تاریخی، علتِ تکوین پیام نیست، بلکه صحنه و ظرفِ تحقق تدریجی و تربیتی آن است.

بر این اساس، مقاله حاضر از رویکرد کلی الهیات روایی<sup>۳</sup> به‌عنوان چهارچوب کلان خود بهره می‌برد. این دیدگاه، مجموعه گزارش‌های وحیانی را نه متونی پراکنده و جزیره‌ای، بلکه یک روایت بزرگ<sup>۴</sup> منسجم و هدفمند می‌داند که هویت و باورهای جامعهٔ ایمانی را شکل می‌دهد (هاورواس و جونز<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷) برای کالبدشکافی و تحلیل ساختاری این روایت الهی، از ابزارهای روش‌شناختی نقد روایی<sup>۶</sup> استفاده می‌شود. این روش، برخلاف رویکردهای تاریخی انتقادی سنتی که بر مسائل بیرونی متن (مانند منابع و وثاقت تاریخی) تمرکز دارند، به خود متن به‌عنوان یک کل ارگانیک و یک ساختار ادبی بلاغی منسجم می‌نگرد. نقد روایی به دنبال کشف این است که متن چگونه از طریق انتخاب‌ها و چینش‌های ساختاری خود، معنا را تولید می‌کند و بر مخاطب تأثیر می‌گذارد.

ابزارهای تحلیلی اصلی که در این پژوهش از نقد روایی وام گرفته شده و در بخش یافته‌ها

1. Nussbaum
2. Stump
3. Narrative Theology
4. Metanarrative
5. Hauerwas & Jones
6. Narrative Criticism

مستقیم به کار می‌روند، عبارتند از: ۱. پیرنگ: این مفهوم فراتر از یک توالی زمانی ساده است و به منطق درونی و طرح کلی حوادث اشاره دارد که رویدادها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. پیرنگ اصلی بررسی شده در این مقاله، فرایند گذار جامعه اسلامی از یک اقلیت تحت ستم در مکه به یک دولت امت نوپا در مدینه است و نشان داده خواهد شد که تبیین جایگاه امامت، نخ تسبیح و خط محوری این پیرنگ است. ۲. شخصیت‌پردازی: این ابزار به شیوه معرفی و پرداختن به ویژگی‌های شخصیت‌های محوری روایت می‌پردازد. در یک روایت الهی، شخصیت‌ها نه تنها کارگزاران تاریخی، بلکه حاملان معانی و الگوهای بنیادین هستند. تمرکز اصلی این پژوهش، ردیابی فرایند شخصیت‌پردازی تدریجی و هدفمند امیرالمؤمنین (علیه السلام) توسط راوی الهی است. ۳. بستر روایی<sup>۱</sup>: این مفهوم به شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی اشاره دارد که داستان در آن رخ می‌دهد. بستر روایی پس‌زمینه منفعلی نیست، بلکه عنصری فعال است که چالش‌ها، تنش‌ها و نیازهایی را ایجاد می‌کند که پیرنگ داستان باید به آن‌ها پاسخ دهد. تقابل میان بستر روایی مکه و مدینه، موتور محرکه اصلی تحول در روایت این پژوهش است. ۴. کارکرد روایی<sup>۲</sup>: این ابزار، کلیدی‌ترین پرسش تحلیلی ما را صورت‌بندی می‌کند: نزول یک آیه خاص (به‌مثابه مداخله روایی) در نقطه مشخصی از پیرنگ، چه تأثیر و کارکردی بر شخصیت‌ها، مخاطبان و پیشبرد کلی روایت داشته است؟ این پرسش، تحلیل را از سطح «معنای آیه چیست؟» به سطح «این آیه در این لحظه چه می‌کند؟» ارتقا می‌دهد.

این پژوهش طبق جدول ۱ با تلفیق این ابزارها، الگوی تحلیلی روایی تکاملی را به کار می‌گیرد. این الگو صرفاً به توصیف وقایع به ترتیب نزول نمی‌پردازد، بلکه به دنبال پاسخ به این پرسش است که: کارکرد روایی معرفی هر یک از فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) در «بستر روایی» خاص خود چه بوده و این «شخصیت‌پردازی» تدریجی، چگونه به پیشبرد «پیرنگ» کلی تبیین امامت کمک کرده است؟ این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا فرایند تکاملی و طرح حکیمانه نهفته در پس‌نزول این آیات را آشکار سازیم و نشان دهیم که راوی

1. Narrative Context

2. Narrative Function

الهی چگونه حقیقت فراتاریخی امامت را به صورت حکیمانه در تار و پود تاریخ و متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای تکاملی امت، تبیین و تثبیت کرده است.

### جدول ۱: چهارچوب نظری

ابزار تحلیلی	تعریف مختصر	کارکرد در این پژوهش
پیرنگ	طرح کلی و منطق حاکم بر توالی رویدادها در یک روایت	تحلیل خط سیر دو مرحله‌ای رسالت (مکه و مدینه) و نشان دادن اینکه تبیین امامت، هدف محوری این پیرنگ است.
شخصیت‌پردازی	شیوه معرفی و پرداختن به ویژگی‌های شخصیت‌های محوری توسط راوی	ردیابی فرایند تدریجی و هدفمند معرفی فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) متناسب با نیازهای هر مرحله از پیرنگ
بستر روایی	شرایط و فضای تاریخی که داستان در آن رخ می‌دهد و بر پیرنگ و شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارد.	درک چالش‌های خاص هر دوره (فشار و بحران هویت در مکه؛ نیاز به قانون و ساختار در مدینه) که نزول آیات پاسخی به آن‌هاست.
کارکرد روایی	تأثیر و هدف استراتژیک یک مداخله متنی (نزول یک آیه) در یک نقطه مشخص از روایت.	پاسخ به این پرسش کلیدی که: نزول هر فضیلت در آن مقطع خاص، چه کارکردی داشته است؟ (مثلاً هویت‌سازی، الگوسازی، نهادسازی).

### ۳. یافته‌ها

#### ۳-۱. روایت دوره مکه؛ کارکردهای روایی در خدمت تثبیت رسالت نبوی

رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در یک بستر تاریخی پرتنش و خصمانه در مکه آغاز شد. این شهر که تحت سلطه اشراف قریش و غرق در مناسبات قبیله‌ای و بت‌پرستی بود، هر ندای مخالفی را تهدیدی برای ساختار قدرت و اقتصاد خود می‌دید. در چنین فضایی، دعوت اسلامی در سه سال نخست به صورت مخفیانه و در میان نزدیک‌ترین یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) گسترش یافت (مقدس، ج ۴: ۱۴۶). این دوره، صحنه شکل‌گیری هسته اولیه جامعه‌ای بود که هویت خود را نه بر اساس تفاخر قبیله‌ای، بلکه بر مبنای ایمانی جدید تعریف

می‌کرد. این جامعه نوپا برای بقا و رشد، نیازی حیاتی به عناصری داشت که هویت آن را قوام بخشد، الگویی قابل اتکا برایش معرفی کند و مبانی پایداری روانی و معنوی آن را در برابر فشارهای آینده تقویت کند.

با علنی شدن دعوت پس از نزول آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعرا، ۲۱۴)، خصومت قریش وارد مرحله جدیدی شد. آن‌ها که ابتدا سخنان پیامبر ﷺ را «حرف‌های جوان بنی عبدالمطلب از آسمان» می‌خواندند (زریاب خوبی، ۱۳۷۶: ۱۴۵)، با مشاهده تضاد پیام توحیدی با منافع اشرافی خود، به مقابله فعال روی آوردند. این تقابل در پیرنگ روایت مکه، از طریق کنش‌های متعددی از سوی آنتاگونیست‌ها (سران قریش) شکل گرفت: از تهدید و تطمیع پیامبر ﷺ از طریق ابوطالب (ابن هشام، ج ۲: ۲۶۵) و تهمت‌های ناروایی چون سحر و جنون (مسعودی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۲۸۲)، تا آزار و شکنجه وحشیانه نومسلمانان بی‌دفاعی چون خانواده عمار یاسر (ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۵) و تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی‌هاشم در شعب ابی‌طالب (پاینده، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۹۸). در نهایت، با طرحی شوم برای قتل شبانه پیامبر ﷺ، خصومت خود را به اوج رساندند؛ نقطه‌ای که پیرنگ روایت را به سمت یک گره‌گشایی سرنوشت‌ساز سوق داد و نیازمند کنشی فداکارانه برای حفظ قهرمان اصلی روایت بود.

محور این روایت ۲۳ ساله، بی‌تردید وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ است. در این پژوهش، تمامی رخدادها و شخصیت‌پردازی‌ها در بستر «رسالت نبوی» تحلیل می‌شوند. حکمت الهی در این فرایند تربیتی، قهرمان اصلی خود را تنها رهان نمی‌کند، بلکه به صورت تدریجی، یک نظام حمایتی استراتژیک را برای پشتیبانی از ایشان معرفی می‌نماید. در این چهارچوب، شخصیت‌پردازی قرآنی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نه به‌عنوان محوری مستقل، بلکه به‌مثابه ابزار روایی هدفمند برای دفاع از شخص پیامبر ﷺ، اعتبارسنجی پیام ایشان و تضمین تداوم رسالت به کار می‌رود. آیات نازل شده در مکه، دقیقاً این کارکردهای حمایتی را در پاسخ به نیازهای پیرنگ نبوی ایفا می‌کنند.

در ادامه، چهار نمونه از این آیات که بر اساس معیار روش شناختی این پژوهش (یعنی

اتکابه «شان نزول مستقیم» یا «تبیین مستقیم نبوی» ثبت شده در منابع معتبر فریقین انتخاب شده اند، تحلیل می شوند:

۱. سوره واقعه، آیه ۱۰: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»؛ و پیشی گیرندگان [به اعمال نیک] که پیشی گیرندگان [به رحمت و آمرزش] اند، آنان مقربان اند.

۲. سوره حاقه، آیه ۱۲: «...لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ»؛ ... تا آن را برای شما مایه تذکر و بیداری قرار دهیم و گوش شنوا آن را [به عنوان مایه عبرت و تذکر] حفظ کند.

۳. سوره شوری، آیه ۲۳: «...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...»؛ ... بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی جز مودت نزدیکان را نمی خواهم.

۴. سوره بقره، آیه ۲۰۷: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»؛ ... و از مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد.

اثبات اینکه این آیات متکی بر «شان نزول مستقیم» یا «تبیین نبوی/تفسیر اصیل صحابه» هستند (و نه «تطبیق» متأخر)، برای روش شناسی این پژوهش حیاتی است. درباره آیات «واقعه» و «حاقه»، این امر بر اساس تفسیر روایی از صحابه و تبیین نبوی (و نه شان نزول به معنای علت رخداد) از شخص پیامبر ﷺ روشن می شود. جلال الدین سیوطی (مرجع تفسیر روایی اهل سنت) درباره آیه «السابقون» از ابن عباس نقل می کند که مصداق این پیشگامی در امت اسلام کیست: «...و علی بن ابی طالب، و کل رجل منهم سابق أمته، و علی بن ابی طالب أفضلهم سبقا» (سیوطی، ۱۴۲۴ق، ج ۸: ۵). این تفسیر اصیل از ابن عباس، که مورد تایید طبرسی است، نشان می دهد که علی (علیه السلام) به عنوان «سابق» این امت شناخته می شده است (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹: ۲۱۵). درباره آیه «أذن واعیه» که نمونه ای از «تبیین مستقیم نبوی» است، تفاسیر تراز اول اهل سنت مانند فخر رازی و زمخشری، روایتی را ثبت کرده اند که شخص پیامبر ﷺ مصداق آن را همزمان با نزول تعیین فرمود: «و عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم عند نزول هذه الآية: «سألت الله أن يجعلها أذنك يا علي»» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۶۳۵؛

زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۶۰۰).

آیه «مودت» (شوری، ۲۳) نیز نمونه‌ای بارز از «تبیین نبوی در پاسخ به سؤال» (با شأن نزول تفسیری) است. مفسران بزرگ اهل سنت تأکید می‌کنند که پس از نزول آیه، از پیامبر ﷺ پرسیده شد که «القربی» (خویشاوندان) چه کسانی هستند. سیوطی از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در پاسخ فرمودند: «قال: «علی وفاطمة وولداهما»» (سیوطی، ۱۴۲۴ق، ج ۷: ۳۴۸). فخر رازی نیز پس از نقل همین روایت، استدلال می‌کند که این آیه، وجوب محبت این چهار تن را ثابت می‌کند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷: ۵۹۵)؛ بنابراین، این تفسیر نه یک تأویل، بلکه تبیین مستقیم نبوی است.

در نهایت، آیه «لیلة المبيت» (بقره، ۲۰۷) اگرچه در سوره‌ای مدنی قرار دارد، اما بر اساس مبانی پذیرفته‌شده علوم قرآنی، نزول آن به واقعه‌ای در مکه بازمی‌گردد. مفسران فریقین بر این شأن نزول اجماع دارند. فخر رازی می‌نویسد: «قال ابن عباس: نزلت هذه الآية فی علی بن ابی طالب رضی الله عنه بات علی فراش رسول الله ﷺ لیلة خروجه إلى الغار» (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۱۷۵). زمخشری نیز به‌طور قاطع می‌گوید: «نزلت فی علی بن ابی طالب رضی الله عنه لیلة المبيت علی فراش رسول الله ﷺ» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۷۳). این اتفاق نظر نشان می‌دهد که آیه، شأن نزول مستقیم و توصیف الهی از آن فداکاری امیرالمومنین است.

تحلیل این آیات در چهارچوب نظری «تحلیل روایی کاملی» نشان می‌دهد که هر یک از این مداخلات الهی، کارکردی روایی مشخص در پاسخ به نیازهای پیرنگ رسالت نبوی داشته‌اند. در بستر روایی مکه که جامعه نوپا فاقد «اصالت تاریخی» در برابر اشرافیت قریش بود، آیه «السَّابِقُونَ» (واقعه، ۱۰) یک کارکرد هویت‌ساز ایفا می‌کرد. راوی الهی با شخصیت‌پردازی علی (علیه السلام) به‌عنوان «سابق امت»، به پیامبر ﷺ و پیروانش اعتباری تاریخی بخشید و الگویی از پیشگامی در ایمان را در برابر ارزش‌های جاهلی «سبقت در قبيله» ارائه داد.

در همان بستر روایی مکه که مبتنی بر فرهنگ شفاهی بود، یکی از دغدغه‌های اصلی،

تضمین بقای «علم نبوت» بود. آیه «أُذُنٌ وَأَعْيَةٌ» (حاقه، ۱۲) مستقیم به این نیاز پاسخ داد. کارکرد روایی این آیه، یک «تضمین معرفتی» برای امت بود. با شخصیت‌پردازی علی (علیه السلام) به عنوان «گوش شنوای» مورد تأیید الهی، راوی الهی به مؤمنان اطمینان می‌داد که تعالیم پیامبر ﷺ و بطن وحی، توسط یک شخصیت برگزیده و مورد اعتماد، به‌طور کامل حفظ و منتقل خواهد شد و میراث رسالت از تحریف مصون می‌ماند.

با تشدید فشارها و محاصره اقتصادی (مانند شعب ابی طالب)، بستر روایی مکه نیازمند یک محور انسجام‌بخش جدید بود که جایگزین پیوندهای سست قبیله‌ای شود. کارکرد روایی آیه «مودت» (شوری، ۲۳) دقیقاً انسجام‌بخشی اجتماعی بود. راوی الهی، اجر رسالت پیامبر ﷺ را نه در مال، بلکه در مودت القربی تعریف کرد. این امر، یک «قرارداد روایی» جدید میان امت و محور رسالت ایجاد کرد و با شخصیت‌پردازی اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان کانون عاطفی ایمانی جدید، به مؤمنان برای تحمل سختی‌ها و پایداری در راه پیامبر ﷺ، انگیزه‌ای قدرتمند بخشید.

نقطه اوج و گره‌گشایی پیرنگ مکه، لحظه‌ای بود که قهرمان اصلی روایت (پیامبر ﷺ) با خطر حذف فیزیکی مواجه شد. در اینجا، کارکرد روایی آیه «ليلة المبيت» (بقره، ۲۰۷)، «تضمین بقای فیزیکی پیرنگ» است. تمام رسالت به بقای پیامبر ﷺ وابسته بود. شخصیت‌پردازی علی (علیه السلام) به عنوان «مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ» (کسی که جان خود را در ازای رضایت خدا می‌فروشد)، اوج تجلی ایمان در مکتب نبوی بود. این آیه نشان می‌دهد که یاور پیامبر ﷺ نه تنها حافظ علم ایشان، بلکه ضامن جان ایشان نیز است. این فداکاری، کنش گره‌گشایی بود که امکان تداوم کل رسالت و ورود به پرده دوم روایت (تأسیس حکومت در مدینه) را فراهم ساخت.

جدول ۲: تلخیص یافته‌های دوره مکه

آیه	موضوع	بستر تاریخی نزول	شخصیت‌پردازی روایی	کارکرد روایی
واقعه، ۱۰	«السَّابِقُونَ» (پیشگام)	نیاز به «اصالت تاریخی» و الگو برای جامعه نوپا در برابر ارزش‌های جاهلی	معرفی به عنوان الگوی کامل سبقت در ایمان و بنیان‌گذار تاریخی امت (پس از پیامبر)	هویت‌سازی و الگوسازی: اعطای عمق تاریخی به رسالت نبوی و ارائه الگوی تعهد
حاقه، ۱۲	«أَذُنٌ وَأَعْيَةٌ» (گوش شنوا)	نیاز به «تضمین بقای معرفتی» پیام در یک فرهنگ شفاهی	معرفی به عنوان حافظ و صندوقچه رسمی علوم نبوت به تأیید الهی	اعتمادسازی و تقویت بنیان معرفتی: اطمینان بخشی به امت مبنی بر حفظ کامل و دقیق پیام الهی
شوری، ۲۳	«الْمُؤَدَّةُ فِي الْقُرْبَى» (مودت)	نیاز به یک «محور انسجام‌بخش» درونی در برابر فشارهای خارجی و فروپاشی پیوندهای قبیله‌ای	معرفی اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان کانون عاطفی و محور وحدت جدید امت در راستای رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)	انسجام‌بخشی و تقویت تاب‌آوری: ایجاد یک قرارداد روایی جدید برای وحدت امت حول محور اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)
بقره، ۲۰۷	«يُسْرِي نَفْسَهُ» (فداکاری مطلق)	اوج خصومت قریش (نقشه قتل پیامبر) و نیاز به حفظ جان قهرمان اصلی روایت برای تداوم رسالت.	معرفی به عنوان ضامن بقای فیزیکی رسالت و اوج تجلی ایمان از طریق ایثار جان برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)	گره‌گشایی و تضمین بقای پیرنگ: نجات قهرمان اصلی (پیامبر) و فراهم کردن امکان گذار به دوره مدینه.

۳-۲. روایت دوره مدینه؛ کارکرد نهادسازی در بستر رسالت نبوی

با هجرت به مدینه، پیرنگ رسالت وارد مرحله‌ای نوین و پیچیده شد. در این پرده از روایت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دیگر صرفاً در جایگاه انذار دهنده اقلیتی تحت ستم (دوره مکه) قرار نداشت، بلکه اکنون در مقام رهبر یک دولت‌شهر نوپا، قانون‌گذار جامعه چندفرهنگی (متشکل از مهاجرین، انصار و قبایل یهود) و فرمانده کل قوای نظامی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی بود. محوریت مطلق پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این دوره، از «تبلیغ»

(یحیی کرامتی، سیدمهدی قریشی، حسن محمدی)

به «تأسیس و اجرا» تغییر یافت؛ بنابراین، نیازهای روایی این دوره نیز از «هویت‌سازی» به «نهادسازی» و مهم‌تر از آن، به «تضمین آینده و تداوم رسالت» پس از ایشان، تکامل یافت.

با هجرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به مدینه، روایت الهی وارد پرده دوم و تعیین‌کننده خود شد. صحنه روایت از جامعه‌ای تحت تعقیب و اقلیت در مکه، به یک دولت‌شهر نوپا در مدینه تغییر یافت. این تغییر بنیادین در بستر روایی، چالش‌ها و نیازهای جدیدی را برای پیرنگ داستان به همراه آورد. دیگر صرفاً مسئله بقا و حفظ هویت مطرح نبود، بلکه اکنون نیاز به پی‌ریزی ساختارهای یک حکومت، تدوین قوانین اجتماعی، مدیریت منازعات داخلی (مانند تقابل با قبایل یهودی) و خارجی (غزواتی چون بدر و احد) و مهم‌تر از همه، تضمین آینده و تداوم رسالت پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دغدغه اصلی تبدیل شده بود (واقعی، ۱۹۶۶، ج ۱: ۱۲؛ ابن هشام، ج ۱: ۶۶۶).

در این دوره، روایت از مرحله «هویت‌سازی» به مرحله «نهادسازی» گذار می‌کند. کارکرد روایی «آیات نازل شده در این مقطع، دیگر صرفاً تقویت روحی مؤمنان نیست، بلکه تبیین عملی الگوهای رفتاری برای جامعه جدید، تعریف ساختار قدرت و مشروعیت و آماده‌سازی امت برای پذیرش نظام رهبری پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. ازدواج آسمانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) در سال دوم هجرت (یوسفی غروی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۰۰) و ولادت حسنین (علیهم السلام) در سال‌های سوم و چهارم (ابن عبد البر، ۱۴۲۲ ق، ج ۱: ۳۸۴)، نقاط عطفی در پیرنگ عمل و شخصیت‌های محوری آینده روایت را به مخاطبان معرفی کرد.

در این پرده از روایت، راوی الهی با نزول آیاتی کلیدی، به صورت هدفمند به تبیین ابعاد رهبری و جایگاه نهادی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در راستای تحکیم رسالت نبوی پرداخت. در ادامه، چهار نمونه از این آیات که بر اساس معیار روش‌شناختی این پژوهش (یعنی اتکا به «شان نزول مستقیم» یا «تبیین مستقیم نبوی») ثبت شده در منابع معتبر فریقین) انتخاب شده‌اند، معرفی می‌شوند.

۱. سوره مجادله، آیه ۱۲: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ

صَدَقَةً<sup>۱</sup>؛ ای مؤمنان! زمانی که می خواهید با پیامبر گفت‌وگوی محرمانه کنید، پیش از آن صدقه دهید.

۲. سوره مائده، آیه ۵۵: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ سرپرست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی که نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

۳. سوره آل عمران، آیه ۶۱ (آیه مباهله): «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ»؛ بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانتان را و ما زنانمان را و شما زنانتان را و ما جان‌هایمان را و شما جان‌هایتان را دعوت کنیم.

۴. سوره مائده، آیه ۳ (آیه اکمال): «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ امروز دینتان را برای شما کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم.

شأن نزول «آیه نجوا» (مجادله، ۱۲) یکی از منحصر به فردترین موارد است که مفسران فریقین بر آن اجماع دارند. این آیه به عنوان آزمون الهی نازل شد و صحابه را از گفت‌وگوی خصوصی و مکرر با پیامبر ﷺ منع کرد، مگر آنکه صدقه‌ای بپردازند. به گواهی مفسران بزرگ اهل سنت، این آیه نازل شد و به جز یک نفر، هیچ کس به آن عمل نکرد تا اینکه با آیه بعدی نسخ شد. زمخشری در «الکشاف» از خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می کند: «أن فی کتاب الله لآیه ما عمل بها أحد قبلی ولا یعمل بها أحد بعدی، و هی آیه المناجاة» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۹۵). فخر رازی نیز پس از نقل روایت ابن عباس، می گوید: «قال علی بن أبی طالب رضی الله عنه: ما عمل بهذه الآیه أحد غیری حتی نسخت» (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹: ۴۸۹). این اتفاق نظر، آیه را از «تطبیق» خارج و به یک «فضیلت انحصاری» بدل می کند.

درباره آیه ولایت (مائده، ۵۵) و آیه مباهله (آل عمران، ۶۱) نیز شأن نزول مستقیم در منابع

۱. انتخاب آیه «نجوا» در این تحلیل، به دلیل کارکرد روایی منحصر به فرد آن در «تمایزسازی» و اثبات صدق انحصاری در یک «رویداد» عینی و کوتاه مدت بوده است. اگرچه آیه کلیدی «اولی الامر» (نساء، ۵۹) جایگاه بنیادی تری در تبیین «ساختار» رهبری دارد، اما آیه نجوا به شکل ملموس تری «شخصیت‌پردازی» مد نظر این چهارچوب تحلیلی را نشان می دهد.

اهل سنت به حد تواتر معنوی است. درباره آیه ولایت، توصیف دقیق «وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» به یک رویداد عینی اشاره دارد. زمخشری می گوید: «وأنها نزلت في علي رضي الله عنه حين سأله سائل وهو راكع في صلاته فطرح له خاتمه فنزلت» (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۶۴۹). درباره آیه مباحله نیز، اجماع مفسران و محدثان اهل سنت (از جمله آنچه سیوطی از صحیح مسلم و سنن ترمذی نقل می کند) این است که پس از نزول آیه، پیامبر ﷺ تنها چهار نفر را به همراه بردند. زمخشری این را قوی ترین دلیل بر فضیلت اصحاب کساء می داند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۶۹) و فخر رازی بر صحت آن ادعای اتفاق نظر می کند: «و اعلم أن هذه الرواية كالمتمفق على صحتها بين أهل التفسير والحديث» (رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۸: ۸۰).

در نهایت، آیه اکمال (مائده، ۳) نقطه افتراق کلامی است، اما این اختلاف نه بر سر «تطبیق»، بلکه بر سر خود «شأن نزول» است. در حالی که اکثر مفسران اهل سنت نزول آن را در روز عرفه می دانند، منابع معتبر روایی همان اهل سنت، شأن نزول رقیب و مستندی را نیز ثبت کرده اند. جلال الدین سیوطی در الدر المنثور از صحابی مشهور، ابوسعید خدری، نقل می کند که این آیه در روز غدیر خم نازل شد: «لما نصب رسول الله ﷺ عليا يوم غدیر خم، فنادی له بالولاية، هبط جبریل علیه بهذه الآية «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (سیوطی، ۱۴۲۴ ق، ج ۳: ۱۹). این پژوهش، با تکیه بر این روایت که با منطق درونی آیه، یعنی ناامیدی کفار پس از تعیین جانشین، سازگارتر است، آن را به عنوان شأن نزول تحلیل می کند.

تحلیل این آیات در چهار چوب نظری تحلیل روایی تکاملی نشان می دهد که کارکرد روایی هر آیه، مستقیم در خدمت تحکیم پیرنگ «رسالت نبوی» در مدینه بوده است. آیه نجوا (مجادله، ۱۲) در بستر روایی مدینه که شأن و جایگاه پیامبر ﷺ به عنوان رهبر حکومت باید تثبیت می شد، نازل شد. کارکرد این آیه، ایجاد یک آزمون تمایز بود. این آیه، شخصیت پردازی علی (علیه السلام) را نه فقط به عنوان مؤمن، بلکه به عنوان تنها فردی که حاضر است برای لحظه ای گفت و گوی خصوصی با پیامبر ﷺ، تمام دارایی خود (یک دینار) را صدقه دهد، تثبیت کرد. این امر، عمق صدق و اخلاص یاور پیامبر ﷺ را در برابر

سایر صحابه به نمایش گذاشت.

آیه ولایت (مائده، ۵۵) مستقیم به نیاز «نهادسازی سیاسی دینی» در پیرنگ رسالت پاسخ می‌دهد. کارکرد روایی این آیه، تعریف دقیق ساختار قدرت پس از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) است. کلمه «إِنَّمَا» (همانا، فقط) ساختار ولایت را انحصاری می‌کند. شخصیت‌پردازی علی (علیه السلام) در این آیه، فراتر از یک فرد مؤمن است؛ او به‌عنوان نماد کسی معرفی می‌شود که عبادت فردی (اقامه نماز) و مسئولیت اجتماعی (زکات در رکوع) را در هم آمیخته است. این آیه، ولایت ایشان را در امتداد مستقیم ولایت خدا و ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار می‌دهد و شالوده ساختار رهبری پس از پیامبر را بنیان می‌نهد.

آیه مباهله (آل عمران، ۶۱) دارای کارکرد روایی «تثبیت مشروعیت وجودی» است. در بستر روایی تقابل با مسیحیت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) باید قوی‌ترین حجت خود را به میدان می‌آورد. راوی الهی با شخصیت‌پردازی علی (علیه السلام) به‌عنوان «أَنْفُسَنَا» (جان‌های ما / خود ما)، نوعی هم‌سانی وجودی میان ایشان و پیامبر (صلی الله علیه و آله) برقرار می‌کند. این دیگر صرفاً معرفی یک یاور نیست، بلکه معرفی ایشان به‌عنوان نفس پیامبر است. این مداخله روایی، بالاترین سطح از اعتبار و مشروعیت را به علی (علیه السلام) بخشید و او را به‌عنوان شریک انحصاری پیامبر (صلی الله علیه و آله) در اثبات حقانیت رسالت معرفی کرد.

در نهایت، آیه اکمال (مائده، ۳) به‌مثابه نقطه اوج و لحظه گره‌گشایی نهایی پیرنگ ۲۳ ساله رسالت عمل می‌کند. بستر روایی آن، واپسین روزهای حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نیاز حیاتی به «تضمین آینده» است. کارکرد روایی این آیه، اعلام رسمی «تکمیل پروژه رسالت» است. راوی الهی با پیوند زدن «کمال دین» و «تمام نعمت» به نصب ولایت (بر اساس روایت ابوسعید خدری)، به‌صراحت اعلام می‌کند که رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بدون تعیین این جانشین، ناتمام می‌ماند. این شأن نزول بر تحلیل منطق درونی خود آیه استوار است؛ به‌طور خاص، آیه، کمال دین را به یأس کفار («الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا...») پیوند می‌زند. این یأس، باید ناشی از رویدادی تعیین‌کننده باشد که امید آنان را برای نابودی اسلام پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) قطع کند. در حالی که وقایع روز عرفه (که عمدتاً تکرار مناسک حج

(یحیی کرامتی، سیدمهدی قریشی، حسن محمدی)

ابراهیمی و تثبیت نهایی آن بود) به خودی خود تبیین کننده این «یأس مطلق» و نهایی نیست، اما روایت غدیر، یک پیوند علی و معلولی مستقیم ارائه می دهد: بزرگ ترین امید کفار و منافقین، پایان یافتن رسالت با رحلت پیامبر ﷺ بود. نصب رسمی جانشین، این امید را برای همیشه به یأس کامل بدل کرد.

### جدول ۳: تلخیص یافته های دوره مدینه

آیه	موضوع	بستر تاریخی نزول	شخصیت پردازی روایی	کارکرد روایی
مجادله، ۱۲	«نجوای صادقانه»	نیاز به تمایز میان مؤمنان واقعی و دیگران در میزان صدق و تعهدشان به پیامبر ﷺ	معرفی به عنوان تنها فرد عامل به حکم الهی؛ متعهدترین و نزدیک ترین فرد به پیامبر ﷺ	تمایزسازی و اعتبارسنجی: برجسته کردن جایگاه منحصر به فرد ایشان به عنوان امین رسول خدا و مؤمن مطلق
مائده، ۵۵	«ولایت» (سرپرستی)	نیاز به تعریف صریح ساختار قدرت و مرجعیت دینی و سیاسی پس از خدا و رسول در دولت نوپای اسلامی	معرفی به عنوان «ولی» امر مسلمین که جامع مقام عبادت (نماز) و مسئولیت اجتماعی (زکات در رکوع) است.	نهادسازی سیاسی دینی: تعریف رسمی و آشکار ساختار رهبری و ولایت در امت اسلامی در امتداد ولایت خدا و رسول.
آل عمران، ۶۱	«أَنْفُسَنَا» (جان پیامبر)	نیاز به نمایش نهایت حقانیت و ارائه حجت تام اسلام در برابر یک جامعه دینی بزرگ دیگر (مسیحیان نجران)	معرفی به عنوان هم سنگ و هم منزلت وجودی با پیامبر ﷺ، نه فقط یک صحابی یا خویشاوند	تشبیه مشروعیت وجودی: اعطای بالاترین سطح اعتبار به ایشان، به گونه ای که در نمایندگی حقیقت اسلام، «جان» پیامبر ﷺ است.

<p>گره‌گشایی پیرنگ و تضمین آینده: به اوج رساندن روایت ۲۳ ساله رسالت و حل بحران آینده رهبری با معرفی رسمی‌جانشی.</p>	<p>معرفی به‌عنوان ضامن تداوم رسالت؛ شخصیتی که با نصب او، دین الهی کامل و رسالت نبوی به اتمام می‌رسد.</p>	<p>نیاز حیاتی به حل مسئله جانشینی و تضمین تداوم رسالت در واپسین روزهای حیات پیامبر ﷺ (واقعه غدیر)</p>	<p>«اکمال دین»</p>	<p>مأده، ۳</p>
---	--	---	--------------------	----------------

#### ۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش با این پرسش بنیادین آغاز شد که آیا نزول آیات مرتبط با فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، رویدادهایی منفک و پراکنده بوده‌اند یا از یک منطق روایی و فرایند تربیتی الهی برای تبیین تکاملی جایگاه امامت پیروی می‌کنند؟ یافته‌های حاصل از تحلیل روایی تکاملی که بر اساس معیار اتکا به شأن نزول مستقیم یا تبیین مستقیم نبوی (ونه جری و تطبیق عام) استوار بود، با قاطعیت نشان می‌دهد که این آیات از طرح الهی منسجم و دو پرده‌ای پیروی می‌کنند. در پرده اول (مکه)، بستر روایی، فشار و بحران هویت بود؛ در اینجا، شخصیت‌پردازی علی (علیه السلام) به‌عنوان السابقون، اذن واعیه، و فداکار لیلۃ المبیت، کارکردی هویت‌ساز و تضمین‌کننده بقای رسالت نبوی داشت. با تغییر بستر به نهادسازی در مدینه، کارکرد آیات نیز به تبیین رهبری تکامل یافت؛ شخصیت‌پردازی ایشان به‌عنوان عامل انحصاری نجوا (تثبیت صدق)، محور ولایت (تعریف ساختار)، نفس پیامبر در مباحثه (تثبیت مشروعیت وجودی) و در نهایت، اکمال‌کننده دین (تضمین آینده)، به صورت هدفمند شالوده‌های نظام رهبری پس از پیامبر ﷺ را بنیان نهاد.

مهم‌ترین دستاورد این نوع نگاه، حل تنش ظاهری در مورد محوریت است. این تحلیل نشان داد که فضایل قرآنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) نه در تقابل، بلکه دقیقاً در «خدمت» پیرنگ اصلی رسالت نبوی بوده‌اند؛ هر فضیلت، پاسخی الهی به یکی از نیازهای حیاتی پیامبر ﷺ و امت ایشان در مسیر تثبیت رسالت بوده است. بر این اساس، این پژوهش نتیجه می‌گیرد که امامت، نه امری ثانویه یا منصبی خلق‌الساعه برآمده از شرایط پس از رحلت،

بلکه رکنی بنیادین است که در یک پیرنگ الهی منسجم و در تعاملی پویا با نیازهای تکاملی امت در طول ۲۳ سال، به صورت تدریجی معرفی، تبیین و تثبیت شده است.

این پژوهش به طور مشخص به آیاتی محدود بود که بر اساس معیار شأن نزول مستقیم یا تبیین مستقیم نبوی (مورد استناد در منابع معتبر فریقین) انتخاب شده بودند و به بدنه عظیم روایات جری و تطبیق عام یا تأویل نپرداخته است. پیشنهاد می شود پژوهش های آینده، همین چهارچوب تحلیل روایی تکاملی را برای بررسی سیر نزول دیگر مفاهیم کلیدی قرآن، مانند مراحل تبیین جهاد یا تکامل مفهوم انفاق در مکه و مدینه، به کار گیرند تا طرح های تربیتی و حکیمانه نهفته در نزول تدریجی وحی آشکارتر شود.

## منابع و ماخذ

### قرآن کریم.

- نهج البلاغه**. (۱۳۸۲). ترجمه محمد دشتی. قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (علیه السلام).
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۶). **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، عبدالملک. (بی تا). **السیره النبویه**. بیروت: دار المعرفه.
- بلاشر، رزی. (۱۳۶۱). **تاریخ ادبیات عرب**. مترجم: آذرتاش آذرنوش. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- بیات، محمدحسین. (۱۳۹۲). «امامت از دیدگاه شیعه دوازده امامی با تکیه بر براهین عقلی و آیات و روایات». **سراج منیر**. سال ۴. شماره ۱۲. صص: ۷-۳۴.
- پورموسوی، محمد علی. (۱۳۹۵). «تشیع و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی (از زمان شکل‌گیری تا پایان دوره اول خلافت عباسی)». **مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**. سال ۲۰. شماره ۶۷. صص: ۲۶۳-۲۸۴.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۳۹۴ق). **سنن الترمذی**. بیروت: دارالفکر.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). **المستدرک علی الصحیحین**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱). **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**. تهران: وزارت الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
- حسن، حسن ابراهیم (۱۳۸۶). **تاریخ سیاسی اسلام**. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: جاویدان.
- زرگر، نژاد، غلامحسین. (۱۳۹۳). **تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)**. تهران: سمت.
- زریاب خویی، عباس. (۱۳۷۶). **سیره رسول الله (صلی الله علیه و آله) از آغاز تا هجرت**. تهران: زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**. بیروت: دارالکتاب العربی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۴). **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**. قاهره: مرکز هجر للبحوث و الدراسات العربیة و الاسلامیة.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ق). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دارالمعرفه.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). **التفسیر الکبیر**. تحقیق: دار احیاء التراث العربی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۲۱ق). **بحار الانوار**. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۰۹). **مروج الذهب و معادن الجواهر**. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- مسلم بن حجاج. (۱۴۱۲). **صحیح مسلم**. تحقیق: عبدالباقی، محمد فؤاد. قاهره: دار الحدیث.
- مطهری، مرتضی. (بی تا). **آشنایی با قرآن**. تهران: انتشارات صدرا.
- معرفت، محمد هادی. (۱۴۱۹ق). **التفسیر و المفسرون فی توبه القشیب**. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مقدسی، مطهر بن طاهر. (بی تا). **البدء و التاریخ**. تهران: مکتبه الثقافة الدینیة.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۹). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- میراحمدی، عبدالله و فتاحی، فاطمه. (۱۳۹۷). «تحلیل و نقد پیش فرض‌های کلامی فریقین در ترجمه آیات امامت و فضایل

(یحیی کرامتی، سیدمهدی قریشی، حسن محمدی)

حضرت علی (علیه السلام). *سراج منیر*. سال ۹. شماره ۳۰. صص: ۲۷-۵۴.

واقدی، محمد بن عمر. (۱۹۶۶). *کتاب المغازی للواقدی*. لندن:

یوسفی غروی، محمدهادی؛ عربی، حسینعلی. (۱۳۸۳). *تاریخ تحقیقی اسلام (موسوعة التاریخ الاسلامی)*. قم: انتشارات

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

Hauerwas, Stanley & Jones, L. Gregory (Eds.). (1997). *Why Narrative?: Readings in Narrative Theology*. Eugene, OR: Wipf and Stock Publishers.

Nussbaum, Martha C. (1990). *Love's Knowledge: Essays on Philosophy and Literature*. New York: Oxford University Press.



## The Function of the Quranic Virtues of Amir al-Mu'minin (as) in Service of the Prophetic Mission

Yahya Keramati <sup>1</sup> Seyed Mehdi Ghoreishi <sup>2</sup> Hassan Mohammadi <sup>3</sup>

Received: September 20 , 2025

Revised: November 16 , 2025

Accepted: November 17 , 2025

### Abstract

This research, aiming to move beyond an atomistic and proof-texting approach to the verses of virtues, addresses the fundamental question: Was the introduction of the virtues of Amir al-Mu'minin (as) in the Quran (whether via direct revelation or prophetic elucidation) a series of disconnected events, or did it follow a narrative logic and an evolutionary process to elucidate Imamate within the context of the Prophetic Mission? This issue is significant because the traditional view overlooks the pedagogical wisdom and the sagacious design underlying the sequence of these divine interventions, all of which served to establish the Prophetic mission. This paper, by focusing strictly on verses that either possess a "direct occasion of revelation" (Sha'n Nuzūl) or refer to him based on "direct prophetic elucidation" (Tabyīn Nabawī) documented in reliable sources of both schools (Fariqain), and by adopting a "Tanzīlī (chronological) exegesis" approach to structure the data and a "narrative-evolutionary analysis" theoretical framework, answers this question. This framework, by analyzing elements such as plot, characterization, and the contextual function of each narrative intervention, seeks to uncover the internal logic governing the text-context relationship. Findings show that this process had two distinct narrative acts in service of the Prophetic mission. In the first act (Mecca), the primary function was "identity-building and resilience-strengthening"; the characterization of Ali (as) as "al-Sābiqūn" (the foremost, providing authenticity), "Udhun Wā'iyah" (the preserving ear of prophetic knowledge), and the self-sacrificer of "Laylat al-Mabīt" (guarantor of the Prophet's survival) created

1. PhD Student, Department of Islamic Studies, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran: 2850781274@iau.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Fiqh and Islamic Law, Urmia University, Urmia, Iran (Corresponding Author): sm.ghoreishi@urmia.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran: hasan.mohammadi@iau.ac.ir

an unwavering spiritual axis for believers. Upon entering the second act (Medina), the narrative's function shifted to "institution-building and leadership elucidation." In this context, his characterization as the sole executor of "Najwā" (confirming veracity), the axis of "Wilāyah" (defining the structure), the "Self of the Prophet" in Mubāhalah (existential legitimacy), and the "Perfector of the Religion" (guarantor of the mission's continuity), laid the foundations for the post-prophetic leadership system.

**Keywords:** Prophetic Mission, Imam Ali (as), Tanzīlī Exegesis, Imamate, Quranic Virtues.